

... دانشمند مخالفت جو می بایست تحقیر و تنبیه شود و مقصود از این امر این بود که قدرت کلیسا نه تنها در عمل بلکه در زمینه های ذهنی نیز اثبات شود. گالیله باید سخنان خود را پس بگیرد. به این منظور اسباب و لوازم شکنجه را در زندان به او نشان دادند و چنین وانمود کردند که قصد دارند از آنها برای شکنجه او استفاده کنند.

شهادت ویلیام لیتگو (William Lithgow) انگلیسی، یکی از معاصرین گالیله که در سال ۱۶۲۰ با تخت شکنجه مفتشین پاپ آشنا گشته و از آن جان سالم بدر برده بود می تواند تاثیر این مشاهدات را بر روی گالیله ی هفتاد ساله که به عنوان یک طبیب زندگی خود را شروع کرده بود بازگو سازد:

« به اطاقی که تخت شکنجه در آن قرار داشت هدایت شدم و سپس مرا به روی آن خواباندند. پاهایم را از دو طرف تخت کشیدند و با تسمه ای که به دور قوزک هایم پیچیده شد محکم بستند. سپس تخته ای که در بالا قرار داشت به وسیله یک اهرم بر روی من قرار گرفت و با آن مرا بین دو تخته چنان فشار دادند که رگهایم و پی رانهایم متلاشی شد و کاسه های زانوانم در هم شکست. چشمهایم به سرعت در حلقه می گشت، دهانم کف کرده بود و دندان هایم چنان می لرزید و به هم می خورد که صدای آن چون طبل همه جا را فرا گرفت. لبهایم می لرزید و فریاد استغاثه ام بلند شد. از بازوان و رگهای متلاشی شده ی دست ها و زانوانم خون فوران می زد. سپس مرا از این محراب درد باز کردند و درحالی که فریاد می زدند: اقرار کن، اقرار کن، با دستهای بسته به روی زمین انداختند.»

گالیله را شکنجه نکردند. فقط دوبار او را به شکنجه تهدید کردند. او با قوه تصور خویش می توانست آنچه را که ممکن بود بسرش بیاید تجسم کند... گالیله موافقت خود را با اقرار اعلام کرد.

« این جانب گالیله تو گالیله ئی فرزند مرحوم وینچنزو گالیله ئی متولد فلورانس که هفتاد سال از سنم می گذرد در برابر این دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتم و اکنون در مقابل شما حضرات محترم اسقف های اعظم و مفتشین عمومی اعمال کافران فاسد جمهوری های مسیحی زانو زده ام و به این انجیل مقدس که در دست دارم سوگند یاد می کنم که در تمام عمر به معتقدات کلیسای مقدس کاتولیک رومی ایمان داشته و در حال حاضر ایمان دارم و به کمک خداوند متعال در آینده نیز ایمان خواهم داشت. اقرار می کنم به موجب اخطار این ادارات مقدسه باید به کلی این عقیده ناصحیح از مغز به در کنم که خورشید ثابت و در مرکز کائنات قرار دارد در حالیکه زمین در مرکز کائنات واقع نیست و حرکت می کند. هم چنین تصدیق می کنم به من گوشزد شده است چنین اعتقادی بر خلاف مندرجات کتب مقدسه

است و نباید از آن دفاع کرده و به نحوی از انحاء اعم از کتبی یا شفاهی آنرا تدریس کنم و نیز اعتراف می‌کنم که اقدام به نگارش و طبع کتابی در باره این فرضیه‌ی محکوم کرده و بدون این که راه حلی نهایی ارائه دهم به دفاع از نظرات خود پرداخته‌ام. به این دلیل است که این ادارات مقدسه مرا به کفرگویی متهم ساخته و اعتقاد مرا مبنی بر این که خورشید مرکز کائنات و ثابت است و حال آنکه زمین مرکز آن نیست و متحرک است به کلی مردود دانسته‌اند. از آنجا که میل دارم سایه هرگونه شک و تردیدی را در مخیله آن حضرات مقدس و کلیه‌ی مسیحیان وفادار در باره این ظن قوی که به حق علیه من بوجود آمده است از بین ببرم، بدینوسیله با قلبی مالا مال از ایمانی حقیقی از اشتباهاتی که مرتکب گشته‌ام و اعمال کافرانهای که در بالا به آن اشاره شد و کلیه اعمالی که به نحوی از انحاء با اعتقادات کلیسای مقدس تناقض داشته باشد، ابراز پشیمانی و تنفر و انزجار کرده سوگند یاد می‌کنم که در آینده هرگز مرتکب اعمالی که باعث ایجاد سوء ظن مشابهی در باره من شود نشوم و کتباً یا شفاهاً به چنین مباحثی نپردازم. اگر کافر یا شخصی که در این باره مورد سوء ظن قرار گیرد بشناسم او را به این اداره مقدس یا مفتش مکانی که در آن خواهم بود معرفی خواهم کرد. هم چنین سوگند یاد می‌کنم بر کلیه تنبیهاتی که از طرف این اداره برای من در نظر گرفته شده یا خواهد شد، تن دهم و اگر چنانچه خدای ناخواسته به هر کدام از قول‌ها یا سوگند‌هایی که در اینجا یاد شده است عمل نکنم خود را به مجازات‌ها و تنبیهاتی که در کتب مقدس و دیگر قوانین عمومی و خصوصی برای چنین مجرمینی پیش بینی شده است تسلیم کنم. از خداوند متعال و این انجیل مقدس که در دست دارم تقاضا دارم مرا در این اموریاری کرده و براه راستم هدایت فرمایند.

اینجانب گالیله‌ئو گالیله‌ئی مطابق با آنچه که در بالا ذکر گشته است عقاید خود را ترک کردم، سوگند یاد کردم، قول دادم و متعهد گشته‌ام و برای اثبات حقیقت آن خود این مدرک را به دست خود نوشتم و کلمه به کلمه‌ی آن را با صدای بلند در صومعه مینروا در شهر رم به تاریخ بیست و دوم ژوئن ۱۶۳۳ خواندم.

اینجانب گالیله‌ئو گالیله‌ئی این مدرک را به دست خود نگاشتم.....»

برگرفته از کتاب «عروج انسان» نوشته ژاکوب برونوفسکی ترجمه سیاوش مشفق